

❖ معرفی کتاب ❖

❖ رضا یوسفی مقدم ❖

پال و اجرز زوال کنترل: امنیت جهانی در قرن بیست و یکم، ترجمه: دکتر امیر محمّد جاسس یوسفی - مؤلفان: جلی (تهران: چاپ کوثر، ۱۳۸۱)

آغاز سخن

امنیت تعیین جایگاه این گونه تهدیدات

جدید در گستره استراتژی امنیتی غروب بود.

خصوصاً اینکه کشورهای غربی به

پارادایم سنتی امنیت که در دوران جنگ

نظامی بود عادت کرده بودند (این پارادایم

هنوز مسلط است) و تغییر این پارادایم و

بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی

شوروی گوجه تهدید اصلی برای جهان

غروب از بسین رفت ولی در عین حال

تهدیدات جدیدی در جهان ظاهر گشت.

ذهنه برخی از این تهدیدات از قبل وجود

داشت و برخی دیگر نیز تهدیدات کاملاً

جدیدی بودند. در این میان دغدغه اصلی

برای مطالعه کنندگان و دانشمندان حوزه

❖ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه

شهید بهشتی

- پذیرش پارادایم جدید طبیعتاً نیازمند درک کامل تهدیدات جدید بود.
- کتاب زوال کنترل: امنیت جهانی در قرن بیست و یکم از جمله آثار است که با مطالعه ماهیت تهدیدات جدید، کشورهای غربی و خصوصاً آمریکا را به عنوان قدرتمندترین آنها از نظر قدرت نظامی به تغییر پارادایم سستی امنیت توصیه می‌کند و بهترین راه رفع تهدیدات جدید را پذیرش پارادایم جدید امنیت می‌داند که پال راجرز نویسنده کتاب آنرا ترمیم کرده است.
- کتاب زوال کنترل، امنیت جهانی در قرن ۲۱ در هفت فصل، تحت عناوین زیر به رشته تحریر درآمده است:
- فصل اول: صلح خشونت آمیز
فصل دوم: آموخته‌های جنگ اسیان و میانان اسیان که منابع غرب اقتصاد می‌کند
فصل سوم: آینده سیستم امنیتی نظامی انسان خواهد داشت
فصل چهارم: مهار جنگل
فصل پنجم: پارادایم جدید امنیت
فصل ششم: زوال کنترل
فصل هفتم: جایگاه پارادایم پال راجرز در فصل اول با ذکر مثال
- از یک شهرک مسکونی در افریقای جنوبی که مخصوص ثروتمندان است و برای حفاظت در برابر تهدیدات مختلف از لحاظ امنیتی به شدت محافظت می‌شود تلاش دارد تا ناامنی جدیدی را که جوامع غربی بعد از جنگ سرد با آن مواجه‌اند نشان دهد. وی در این ارتباط می‌نویسد: «غرب به مدت ۲۵ سال یک نگرانی عمده امنیتی داشت که همانا مواجهه با بلوک شوروی بوده این امری کاملاً واضح و قابل فهم و بسیار ساده بود» آنها در مقابل ما اکنون جهان با تهدیدهای متعدد نسبت به رقاب عرب، مکان بسیار ناامن‌تری شده است. در این جهان ناامن ارتش غرب کاری جز «حفظ صلح خشونت‌آمیز» یعنی توانایی کاربست نیروی نظامی در هر نقطه
- محیط امنیتی غرب به تغییر در ابزارهای نظامی غرب و خصوصاً آمریکا به عنوان قدرتمندترین کشور غربی از لحاظ نظامی اشاره می‌کند. وی بهترین نمونه این تحول

را استفاده از موشک‌های جدیدی به نام «سحاب‌های سری» در جریان حمله آمریکا به عراق در سال ۱۹۹۱ می‌داند. در جریان این حمله غمت بحیثیت داور بود. ۵۲ جن از خاک آمریکا به سوی عراق به پرواز درمی‌آیند و بدون اینکه وارد خاک عراق شوند با شلیک این موشک‌ها به اهداف مورد نظر مأموریت خود را انجام داده و به خاک آمریکا بازمی‌گردند. مهم‌ترین ویژگی این حمله مربوط به صافت بود که نشان از قدرت رزمی آمریکا در دسترس به مناطق بحران مستقیماً از داخل خاک خود داشت.

پارادایم متنی و پارادایم جدید امنیت

در فصل دوم نویسنده به بررسی جنگ سرد می‌پردازد و ویژگی‌های این دوره را با توجه به اینکه پیامدهای بسیاری برای آینده داشت مورد گفتگو قرار می‌دهد. وی در ابتدا دو دیدگاه را در مورد جنگ سرد بیان می‌کند. یک دیدگاه متنی بر این است که پروژی آشکار بلوک غرب در جنگ سرد از یک روند

ضرورتاً بی‌خطر حفظ شیوه‌های نظامی بسیار گسترده نشأت می‌گیرد. این روند به پارادایم پسا جنگ سرد مستهجن شده که طبق آن امنیت نظامی به عنوان ضمانت نهایی سعادت غرب در نظر گرفته می‌شود. دیدگاه دوم با نگاهی متفاوت نسبت به دیدگاه اول معتقد است جنگ سرد بسیار خطرناک بوده و با اتلاف منابع عظیم همراه بوده است و در نتیجه به هیچ وجه الگوی مناسبی برای تضمین امنیت در آینده نمی‌باشد.

نویسنده با پذیرش دیدگاه دوم به تقابل میان هزینه‌های دفاعی و صرف امنیتهای یک سو و شاخص‌های کلیشه‌ای هزینه‌های اجتماعی از سوی دیگر می‌پردازد و هزینه‌های دفاعی را بیشتر از امنیت جهانی در سطح جهان می‌داند و نقل در بخش دیگری از این فصل به توسعه تکنولوژی‌های نظامی در دوران جنگ سرد و تأثیر این تکنولوژی‌ها بر شرایط امنیتی امروزه جهان می‌پردازد. مهم‌ترین نتیجه این تکنولوژی‌ها توسعه تسلیحات هسته‌ای در جریان رقابت میان

دو اثر قدرت بود. از دید نگارنده این رقابت چنان شدت یافته بود که هر لحظه امکان وقوع یک جنگ هسته‌ای سررفت. به خصوص تصادف‌ها و بحران‌های هسته‌ای که در جریان این رقابت اتفاق افتادند هر لحظه ممکن بود که به عنوان نشانه حمله از سوی طرفین محسوب شود و پاسخ طرف مقابل را به همراه داشته باشد و در نتیجه به یک جنگ تمام عیار هسته‌ای بیانجامد. وی در ارتباط با تعداد تسلیحات و قدرت بسیار مخرب آنها و ویژگی رقابت تسلیحات هسته‌ای استراتژیک در دوران جنگ سرد و عبارت از توانایی بیش از اندازه این سلاح‌ها در کشتار انسان‌ها می‌داند. همچنین وجود هسته‌ای جنگ سرد در نزد افکار عمومی همگی حول مسأله «عفت و کفایت» اولیادانشان قدرت‌تقوی ساخته شده هسته‌ای (امریکا، شوروی، انگلیس و چین) و همین‌طور اسرائیل است.

بخش دیگری از این فصل به بررسی سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی می‌پردازد. به رغم نویسنده ساخت تسلیحات بیولوژیک و شیمیایی و اینکه این شیوه‌های نظامی نه تنها

موجب ایجاد امنیت نمی‌شوند بلکه ممکن است باعث امنیت زدایی از جوامع گری شوند.

بالا راجرز در فصل سوم با عنوان «آینده تسلیحات هسته‌ای» یا سروروی بر تحولات اخیر درون قدرت‌های هسته‌ای، به ارزیابی جریان‌ات جاری می‌پردازد. با استفاده از تجربه جنگ سرد باید به این نتیجه رسید که عصر تسلیحات هسته‌ای به هیچ وجه هنوز به پایان نرسیده، بلکه در یک وضعیت گذار قرار دارد. اگر چه ممکن است تجهیزات انبوه هسته‌ای در جنگ سرد نابود شده و خطر یک «تبادل هسته‌ای عمده» جهان گستر از بین رفته باشد، اما سوختنی تسلیحات هسته‌ای همچنان بخش کلیدی در استراتژی دفاعی استراتژیک در دوران جنگ سرد و عبارت از توانایی بیش از اندازه این سلاح‌ها در کشتار انسان‌ها می‌داند. همچنین وجود هسته‌ای جنگ سرد در نزد افکار عمومی همگی حول مسأله «عفت و کفایت» اولیادانشان قدرت‌تقوی ساخته شده هسته‌ای (امریکا، شوروی، انگلیس و چین) و همین‌طور اسرائیل است.

بخش دیگری از این فصل به بررسی سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی می‌پردازد. به رغم نویسنده ساخت تسلیحات بیولوژیک و شیمیایی و اینکه این شیوه‌های نظامی نه تنها

امیت غرب باشند، می‌روازد. وی تغییر محیط امنیتی غرب را با نقل قولی از جیمز وولسی، ریاست سازمان اطلاعات آمریکا در زمان کلیتون، بیشتر توضیح می‌دهد. وولسی این تغییرات را با اظهار این مطلب توضیح داده که هر چه آمریکا، ازدها را مقصود اتحاد شوروی ساختار است) به هلاکت رسانده اما اکثریت با جنگی مملو از مزارهای سیمی مواجه است. منظور از مزارهای سیمی همان دولت‌های باغی و تروریست‌ها هستند. بحث این شرایط مستریس جهانی، استخدام تکمیل نیروهای واکنش سریع، همکاری همه‌جانبه شورشی و دفاع موشکی، همکاری برای تأمین امنیت دارای نقش خواهد بود و تأکید مداومی بر کنترل از راه دور و توانایی ویژه در صورتی که این کار یافتن راهی برای حفظ کنترل خواهد بود. امنیت بین‌المللی خواهد بود.

نویسنده در فصل چهارم با عنوان «مهار جنگی» به بررسی شیوه تبدیل ارتش‌های غربی به نیروهای پس از جنگ سرد که قادر به جلوگیری از تهدیدات علیه

گسترش موشک‌های بالستیک به صورت ایزواری در دست کشورهای ضعیف‌تر درآمده است که با آن قدرت کشورهای قدرتمندتر را به چالش گیرند. چالشی که شاید مستلزم یک واکنش هسته‌ای باشد. نویسنده در پایان این فصل نتیجه می‌گیرد با توجه به اینکه غرب تصور می‌کرد احیای روسیه‌ای جنگ طلب یا یک چین قدرتمند، همراه با فعالیت‌های دولت‌های باغی و تروریست‌ها و حتی جنبش‌های ایدئولوژیک و مذهبی، به ویژه اسلام رادیکال منبع تهدید بالقوه خواهند بود، بنابراین در کنار حفظ سلاح‌های هسته‌ای و دیگر تسلیحات گستر جمع، استفاده مناسب از نیروهای متعارف، اساسی‌ترین روش کشورهای قدرتمند دنیا به ویژه ایالات متحده خواهد بود. نویسنده در فصل پنجم به بررسی شیوه تبدیل ارتش‌های غربی به نیروهای پس از جنگ سرد که قادر به جلوگیری از تهدیدات علیه

کشور، هیچ یک از نیروهای ناشور در جنگ کشته نشده‌اند، اما ضربه مهلک به اقتصاد سرستان وارد شد و چند هزار قربانی، از جمله بیش از هزار غیر نظامی، کشته شد.

مبحث مهم دیگری که در این فصل توسط پال راجرز مطرح می‌شود این نکته است که افزون بر استفاده از موشک‌های کروزر و پسا افکن‌های ضد رادار، به گسارگیری هواپیماهای بدون خلبان، هواپیماهای کوچک بدون سرشتین کله قادر به گشت زنی و به کارگیری تسلیحات هستند، همراه با تکنیک جنگ فضایی و دیگر تکنیک‌ها با هدف تضعیف سیستم‌های فرماندهی و نظارتی دشمن و ضربه زدن به اقتصاد آن مطرح می‌شود. فراتر از این، یک انقلاب دیگر نظامی که هنوز در ابتدای ترین مراحل تحولی است رخ خواهد داد که منجر به تولید تسلیحات هدایت شونده انرژی را مانند لیزرها، نورهای فزاینده و از این دست خواهد شد که دارای وقت و سرعت فوق‌العاده بوده و در برابر دفاع متعارف،

تقریباً آسیب‌ناپذیر خواهد بود. به زعم نویسنده مقاله تحولات در تسلیحات، آرایش‌های نظامی و استراتژی‌ها، مطرح شدن استدلال‌های متقاعدکننده در خصوص توان کشورهای نخبه جهان در حفظ کامل امنیت خود را در پی خواهد داشت. ولی فصول پنجم و ششم تحت عنوان «پارادایم جدید امنیت» و «ژوال کنترل» نشان می‌دهد که این موضوع اساساً اشتباه است. در فصل پنجم چنین استدلال شده است که پارادایم‌های اصلی در مذاکرات بین‌المللی و منشأ اصلی تهدیدات ضربت در معضله‌های آن، رشد شکاف غنی و فقیر و مشکل فراینده محدودیت‌های زیست محیطی بر توسعه انسانی می‌باشد. افزون بر این، استراتژی‌های غرب برای کنترل جهان فطرتی شده و از لحاظ زیست محیطی محدود شده، آسیب‌پذیری‌های اساس دولت‌های مدرن شهری - صنعتی را در مقابل جنگ‌افزارهای نامتعارف، به خصوص ساخت تسلیحات «برابرساز نیرو» مانند تسلیحات بیولوژیک، لحاظ

امنیت غرب (در صورت نیاز به ابزار نظامی) به عنوان امری نه تنها غیر قابل دوام که در واقع خود مغلوب کننده پذیرفته شود و بر همین اساس است که نویسنده ضرورت پذیرش پارادایم جدید امنیت را به قوت توصیه می‌کند.

نقد و ارزیابی

کتاب زوال کنترل به خوبی ریشه تهدیدات امنیتی غرب را واکاوی کرده و بر اساس آن پارادایم جدیدی از امنیت را مطرح می‌کند که می‌بایست جایگزین پارادایم سنتی غرب شود. شکاف بین فقیر و ثروتمند و محدودیت‌های زیست محیطی که توسط راجرز مطرح شده امروزه ریشه بسیاری از حوادثی هستند که امنیت غرب را تهدید می‌کند. ^{۱۱} سیمایر و بسیاری دیگر از سوادت ضرورتی هستند چرا که تواریخ‌ها معمولاً برداشت از جوامع فقیری هستند که علت فقر خود را جوامع غنی غرب دانسته و برای رهایی از این وضعیت دست به اعمال خشونت‌آمیز می‌زنند.

نمی‌کند. تلاش برای سرپوش گذاشتن بر ناعلمی بدون توجه به دلایل اصلی ناراضی‌ها، مؤثر نخواهد بود. احتمال بیشتری وجود دارد که این بی‌توجهی جوامع نخبه را آسیب‌پذیرتر سازد. این روندی است که هم‌اکنون از دید تحلیلگران نظامی وجود دارد.

راجرز در فصل هفتم که در واقع نتیجه‌گیری کتاب است به ضرورت نوازش سازندگی کاملاً بنیادین در نگرش‌های غرب نسبت به امنیت می‌پردازد. به این معنا که مقابله با شکاف‌های اجتماعی-اقتصادی و توجه به توسعه پایانه‌ها در واقع لوازم اساسی امنیت است. ^{۱۲} بین‌المللی نمی‌باشند البته این موضوع چندان جدید نیست و دعوتی که موضوع بحث مشترک در نوشته‌ها در زمینه امور زیست محیطی و توسعه پایانه‌ها گزارشات برانت و برانتلند بوده است. موضوع جدید و متفاوت، نیاز به مرتبط ساختن این موضوع به اندیشه‌های موجود در مورد امنیت بین‌المللی است. به نوری که پارادایم حاکم در مورد حفظ

ممکن است محدودیت‌های زیست محیطی باعث شده که امروز شاهد جدال دولت‌ها (نه تنها دولت‌های جنوب یا شمال بلکه بیشتر از آن میان کشورهای شمال، یورپ و سرزمین‌های گسایش آلاینده‌های زیست محیطی باشیم. مهم‌ترین مورد این مسأله عدم اطمینان پیمان زیست محیطی کیوتو (مربوط به کاهش گازهای گلخانه‌ای) توسط آمریکا است.

علاوه بر این برخی از اقدامات آمریکا و اروپا را نیز می‌توان با پارادایم جدیدی که راجعاً مطرح می‌گردد تبیین کرد. امروزه آمریکا در کنار برطرف کردن نگرانی‌های نظامی با تروریست‌ها دست به اصلاحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشورهای که خاستگاه تروریسم هستند زده است. بهترین مثال در این خصوص می‌تواند هند باشد. هند در این دوره از طریق حصارمیان‌ها بزرگ است که در جهت اصلاحات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشورهای خاورمیانه به اجرا درآمده است. همچنین اتحادیه اروپا نیز به عنوان ابزاری قدرتمند که از ناحیه شکاف بین فقیر و

غنی خصوصاً بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر تهدیدات زیادی متوجه‌اش شده است. در سال ۲۰۰۴، پدیده‌ای ده عضو جدید بود که شامل کشورهای اروپای شرقی و مرکزی می‌شد. هر دو این موارد نشان از توسعه به مسائلی دارد که راجعاً در کتاب خود در مورد آنها هشدار می‌دهد. اگرچه با ایده‌آلی که راجعاً خواهان آن است یعنی پذیرش کامل پارادایم جدید و کنار گذاشتن کامل نظام‌گری توسط اروپا و آمریکا سازگار زبانی دارد.

علاوه بر این از جمله انتقاداتی که می‌تواند از کتاب زوال کنترل کرد این نکته است که این کتاب حوزه مسائلی امنیتی را بسیار گسترش داده است. طرز موضوعاتی مثل شکاف بین فقیر و غنی، مسائلی توسعه و محدودیت‌های زیست محیطی رشد و وارد کردن آنها در شمار مسائلی امنیتی نه تنها موجب خواهد شد که هر مسأله کوچکی بین کشورهای یک تضاء امنیتی بی‌انجامد بلکه مطالبات امنیتی را از درجه علمی ساقط می‌کند. زیرا دیگر امکان بررسی و تحلیل موضوع

امپت را از بین می‌برد. نکته دیگر در انتقاد از کتاب زوال کنترل-عدم توجه آن به مسائل ارزشی و هویتی در شکل‌گیری تهدیدات علیه غرب است. امروزه چه با محدودیت‌های زیست محیطی و شکاف بین فقیر - غنی که راجعاً پارادایم استیسی جدید را بر پایه آنها طرح ریزی می‌کند بلکه بحران هویتی است که بر اثر هجوم ارزش‌های جامعه سرمایه‌داری غرب به جهان جنوب به وجود آمده است. در پایان باید گفت مطالب جالب در مورد جزئیات تسلیحات متعارف و هسته‌ای قدرت‌های بزرگ و ترجمه سبسی و درون کتاب، مجموعه‌ای مفید را برای علاقه‌مندان به مسائل استراتژیک و امپت به وجود آورده است.

امپت را از بین می‌برد. نکته دیگر در انتقاد از کتاب زوال کنترل-عدم توجه آن به مسائل ارزشی و هویتی در شکل‌گیری تهدیدات علیه غرب است. امروزه چه با محدودیت‌های زیست محیطی و شکاف بین فقیر - غنی در جامعه‌ای وجود داشته باشد ولی ضرورتاً تهدیدی از سوی طبقه فقیر و زیان دیده متوجه طبقه مسلط نشود اما از سوی دیگر ممکن است، افرادی که از سطح رفاه نسبی در جامعه برخوردارند بر ضد طبقه مسلط بشووند. مثلاً به‌سبب‌گذاری‌های ماه ژوئیه ۲۰۰۵ در مترو لندن توسط مسلمانانی صورت گرفت که اکثر عمر خود را در رفاه نسبی و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی